

## GALBRAITH AND DEMOCRACY IN IRAN

<http://www.ghandchi.com/383-Galbraith-plus.htm>

متن مقاله بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/383-GalbraithEng.htm>



## گالبریت و دموکراسی در ایران

سام قندچی

بتازگی درباره معضل \*حفاظت\* از دموکراسی (<http://www.ghandchi.com/379-Protection.htm>)، در دوران های موجودیت دولت دموکراتیک در ایران، یعنی مشخصاً در زمان مصدق، بحث کردم. برای درک بهتر این موضوع، مفید است درک کنیم که \*قدرت\* چیست، و \*منابع\* آن چه هستند، و به چه \*فرم\* هایی اعمال میشود. کتاب جان کنث گالبریت Kenneth Galbraith John، تحت عنوان کالبد شکافی قدرت Anatomy of Power، در این رابطه بسیار خواندنی است.

### قدرت چیست

ماکس وبر Max Weber، که خود گالبریت وی را ذکر میکند، قدرت را بمثابة "امکان تحمیل خواست خود بر روی رفتار دیگران" تعریف میکند، و قدرت بدان شکل، مدتها قبل از وبر شناخته شده بوده است، مثلاً وقتی سان تزو Sun Tzu تعریف "دانش یعنی قدرت" را قرن ها پیش مطرح کرده است، و این بحث تازه ای در کارهای گالبریت نیست. آنچه در کار گالبریت تازگی دارد، تعریف \*منابع\* قدرت، \*فرمها\* یا ابزار های قدرت، و مطالعه این عناصر مختلف و ارتباطات متقابل آنها است. گالبریت رابطه نزدیکی را بین \*منابع\* قدرت، یعنی شخصیت، مالکیت، و سازمان؛ و \*فرمها\* یا ابزار های قدرت، یعنی شکل کانداین، پاداشی، و یا تبعی قدرت میبندد.

### منابع قدرت

- 1- **شخصیت** - \*شخصیت Personality\* یعنی چیز هایی نظیر فرهیختگی یا کاریزمای charisma شخصی یک رهبر.
- 2- **مالکیت** - \*مالکیت Property\* میتواند برده، مالکیت زمین، کارخانجات، و غیره باشد.
- 3- **سازمان** - \*سازمان organization\* میتواند بمعنی موقعیت در یک تشکیلات باشد. مثلاً، یک مدیر که میتواند در زمان های بحران، کارمندان خود را بیکار کند، منبع قدرتش در جایگاه وی در ساختار تشکیلاتی شرکتش نهفته است. یا اینکه تصمیم گیری پدر بزرگ و مادر بزرگ برای خانواده گسترده، از جایگاه آنان در هیرارشی خانواده در جامعه سنتی ناشی میشود.

### فرمهای قدرت

1- **قدرت کانداین** - فرم \*اجباری Condign\* قدرت، یعنی اعمال قدرت از طریق نیروی فیزیکی. مثلاً، اگر معلمی با چوب، دانش آموز را به گوش دادن و اداری کند، او از قدرت فیزیکی کانداین استفاده کرده است. در جوامع عقب مانده تر، این فرم قدرت بیشتر مرسوم بوده است، چه با استفاده از اجبار شخصی و یا اجبار تشکیلاتی. آنها که شمشیر و تفنگ بیشتر داشتند، قدرتمند تر بودند. حتی در جوامع مدرن، نیروی پلیس هنوز از فرم کانداین قدرت استفاده میکند.

**2- قدرت پاداشی-** فرم \*پاداشی\* Compensatory \* قدرت، یعنی اعمال قدرت از طریق پاداش و جبران. مثلاً، وقتی که پدر و مادر به کودک میگویند که اگر وی مشقتش را تمام نکند، ده درصد مقرری هفتگی اش را کم میکنند، آنها از فرم پاداشی قدرت دارند استفاده میکنند. این فرم قدرت، شکل اعمال قدرت در جوامع مدرن تر بوده است، که با استفاده از مالکیت و منابع دیگر قدرت همراه بوده است.

**3- قدرت تبعی-فرم** \*تبعی\* Conditioned \* قدرت، یعنی اعمال قدرت از طریق عادت دادن مردم به وضعیت خاص، چه از طریق کاریزمای شخصی، یا مالکیت، و یا موقعیت تشکیلاتی. برای گالبریت، قدرت تبعی بیشتر معنی قدرت ناشی از \*عادت دادن\* است و قدرت رسانه ها، افکار عمومی، و وسائل ارتباطات جمعی را شامل میشود، که در عصر مدرن، رشد عظیمی داشته اند. برای وی، \*قدرت تبعی\*، از طریق جایگاه سازمانی، مالکیت، و کاریزمای شخصی اعمال میشود. شکل تبعی قدرت، مشابه آنچه است که نویسندگانی نظیر ریچارد داکینز Richard Dawkins، \*میمز\* memes \* میخوانند، میمز که روان اجتماعی را کنترل میکند، و در مقایسه با فرم های قدرت \*کانداین\* و \*پاداشی\*، غیر محسوس است.

## مصدق و شاه

مصدق در برقراری دموکراسی خیلی موفق بود، اما در \*حفاظت\* از دموکراسی موثر نبود، چرا که کنترل مردم در دیکتاتوری، اساساً از طریق قدرت کانداین بود، و تقلیل استفاده از قدرت کانداین از طرف دولت مصدق، اجازه داد که او باش از منابع قدرت فوق دولتی زور، برای استفاده از فرم \*کانداین\* قدرت استفاده کنند، تا که رئیس پلیس مصدق، افشار طوس، را بکشند، و مردم را متوحش کنند. سازمان سیا نیز از پول، بمثابه منبع قدرت مالکیتی، برای استفاده از فرم \*پاداشی\* قدرت استفاده کرد، و آنها از طریق دادن رشوه به مقامات دولتی، روحانیت، و اوباش، تا که دولت مصدق را تضعیف کند. آیت الله کاشانی و آمریکا نیز از قدرت تبعی استفاده کرده، و نارضایتی از دولت مصدق را متشکل کردند، و بالاخره با استفاده از سه فرم کانداین، پاداشی، و تبعی قدرت، دولت مصدق سرنگون و دیکتاتوری شاه از 1332 تا 1357 برقرار شد.

## جمهوری اسلامی ایران (ج.ا.ا)

قدرت تبعی نوارهای خمینی روزهای اول انقلاب، بسیار زود با شبکه بخرنج ساختار قدرت جمهوری اسلامی، و فرم کانداین قدرت در رأس، تعویض شد. بزودی در پی آنها، شکنجه و قتل گسترده مخالفین آغاز شد. فتوای خمینی برای قتل سلمان رشدی، زمانی بود که وی دیگر نمیتوانست بر روی قدرت تبعی تکیه کند، و این فتوا بهترین سمبل این شیفت جمهوری اسلامی، به اتکا بیشتر و بیشتر بر روی \*قدرت کانداین\* بود، که با صحنه گردانی پلیس و اوباش ادامه یافت. هر چند تبلیغات بر روی تلویزیون و رادیو افزایش یافتند، قدرت تبعی جمهوری اسلامی کمتر و کمتر موثر بود، و بکارگیری نیروی سبعانه خشونت، شکل قدرت کانداین رابه شکل اصلی قدرت جمهوری اسلامی ایران مبدل کرد، که همراه قدرت پاداشی رشوه ها و اعانات دولتی، دوران تاریک بیست ساله اخیر را رقم زده است.

## نتیجه گیری

با ملاحظه آناتومی قدرت، این مشکل نیست که درک کنیم چقدر ساده لوحانه است که فکر کنیم برای حفاظت از قدرت، میشود فقط فرم \*کانداین\* قدرت دولت رسمی، یعنی پلیس را، از بین برد، و امیدوار بود دموکراسی با نصیحت کردن پیروز شود. به عبارت دیگر، فقط حرف خوب گفتن و باصطلاح تمرین دموکراسی کردن، اجازه میدهد نیروهای دیکتاتوری از فرمهای کانداین، پاداشی، و تبعی قدرت، برای بازپس گرفتن قدرت استفاده کنند. اگر نیروهای دموکراسی خواه ایران، دوباره موفق به کسب قدرت شوند، بایستی تمام منابع قدرت، یعنی شخصیت، مالکیت، و تشکیلات، مورد استفاده قرار گیرند، و آنها با تمرکز بر روی فرمهای پاداشی و تبعی قدرت، تا که دموکراسی نوپا تقویت شود، و بایستی

روشن بود که فرم کانداین قدرت پلیس، تا مدتها بایستی ادامه یابد، و نمیتواند یک شبه پس از برقراری دموکراسی برچیده شود.

به امید جمهوری دوم آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر  
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

4 اسفند 1383

February 22, 2005

مطلب مرتبط:

<http://www.ghandchi.com/379-Protection.htm>

---

مقالات تنوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>